

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

شنبه ۲۰ مارچ ۲۰۲۱

ناتور رحمانی

## خوشم هرنفس گر مرا سر رود

خوشم هرنفس گر مرا سر رود \*\*\* کز شعله ام سنگری روشن گردد

\*\*\*\*\*

در خاطر مان باشد ، یاد آن جان نثارانی که با اهدای خون شان بی هراس تا رستاخیز شهادت رفتند ، و به ما ارزش آزادی و وارستگی را آموختند . گپ آنهایی است که زیون و جیون نبودند ، آنهایی که به مردم ، میهن ، آرمان ، اندیشه و خرد خود خیانت نکردند ، سخن از آنهایی است که رفیق نیمه راه نبودند و به نرخ روز نان نخوردند ، آنهایی که مرگ با افتخار را نسبت به چاکری ، دون همتی ، شرمساری و خدمتگذاری به رژیم های دست نشانده ای ملوث و ضد مردمی رجحان دادند ، روان شان شاد ، نام شان ماندگار و راهشان خالی از رهگذار مباد ... .

\*\*\*\*\*

از کی ها باید یاد نمود ؟ تا سنگر مبارزه برای آزادی انسان در سراسر جهان گرم است شیوه ای پیکار آن نام آوران برای رهایی از اسارت ، بیداد ، ستم ، استعمار و استثمار جاویدانه به یاد ماندنی است ، آنها و کارنامه های آنها در یاد ، ذهن و روان آدمهای ستمدیده و اسیر ملل ماندگار است ، یاد آوری و تجلیل از قهرمانان آزادیخواه و وطنپرست که با ریختن خون پاک شان رسم آزادی را برای نسل های در بند کشیده به یادگار گذاشتند ، حرمت به آن آتش نفسان است کز شعله های خشم دشمن سوز شان در هر جای و هرازگاهی غلغله ها برپاست ، یاد آن سربداران زنده نام که آهنگ فتح شان در سرود آزادی از حنجره ای هر به اسارت رفته ای وطنخواه جاریست ، صدا و سیمای این عاشقان آزادی و وطن ، در روان روزگار و امتداد تاریخ سیاسی فاخر و بطور مستدام برارنده است .

خدایان استعمار و استبداد از هر قماش و شکلی ، در هر گوشه ای از جهان ، در هر برهه ای از تاریخ ، برای چپاول و تقسیم جهان با توسل به اشکال ستم و بیداد ، به یاری و همیاری بی و جدان ترین عناصر وطنفروش ، مزدوران و چاکران دون همتشان کوشیده اند این فریاد ها و این شعله های جاوید را با ایجاد دهشت و وحشت خاموش سازند ، مگر آوای رسا و توفانزای آنها را ، که برای پی جویی حقیقت و رهایی انسان از اسارت و بندگی بوده است ، نه وحشت زندانها و زنده بگور کردنها ، نه به توپ بستن و چانواریهها ، نه اعدام و تیرباران کردنها ، نه تطمیع ، تهدید و تبعیدگاهها ، هیچکدام نتوانست و نمی تواند خاموش بسازد ، و هنوز که هنوز است فریاد آن رادمردان از نبش هزارها هزار گور دسته جمعی و پلگونها در هر گوشه ای از جهان بلند است ، و برای همه ای ملل دربند کشیده سوا از رنگ و زبان و نژاد پیام سلحشوری و پیکار میدهد ، تا گرمای سنگر مبارزه را با حرارت نفس های شان ، با شعله های خشم شان و جوشش خون شان تا سپیده دم آزادی انسان و انسانیت حُرمت بگذارند ... حرف از مُرده ها نیست ، سخن از کشته شده گان ستم و بیداد است ، از آن شعله های جاویدانی که تنها بردن نام شان پشت بزرگترین استعمارگران و جباران را میلرزاند ، آن زنده یادان مردمانی که ستاره شدند ، هریک ستاره ای تابناک و رخشنده ای همیشه متجلی ، برای روشنایی راه رهروان آزادی و شرف ...

هر شب ستاره ای فرو میکشند و باز \*\*\* این آسمان غمزده غرق ستاره هاست هنوز آری ، هزارها ستاره ای دنباله دار که با فروکشیدن شان آسمان غمزده ای دیارمان بی ستاره نمی ماند ، و ستاره های دیگری به آنها خواهد پیوست تا سپیده دم آزادی و رهایی انسان از زنجیر اسارت و بندگی ، زیرا آنها میدانند که « زندگی در بندگی شرمندگیست »

\*\*\*\*\*

« گفت آن یار کزو گشت سر دار بلند \*\*\* جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد »